

انقلاب اسلامی، تحقق حکومت عدل علی (ع)



روزنامه نگار غلامرضا بنی اسدی

برخلاف پندار کسانی که می گفتند مردم می داند چمنی خواهنداما نمی دانند چه می خواهند، ما دقیقاً می دانستیم چه می خواهیم. مدل داشتیم، الگوی میدانی داشتیم. در شعار های انقلاب هم اول می گفتیم «چه می خواهیم، بعد حرفمان صراحت می یافت به اینکه «چه نمی خواهیم، نسل دیروز به خوبی به یاد دارد این شعار محوری انقلاب را که از زبان آحاد مردم فریاد کشیده می شده که، «برقرار می کنیم حکومت علی را... سرنگون می کنیم رژیم پهلوی را، ما می دانستیم چه می خواهیم و در پی چه هستیم. خون خود را مفت به حراج نگذاشته بودیم. جان ها را فقط برای تخریب بنای ظلم، هزینه نمی کردیم. در ترازوی هزینه، به افزایش فایده ها را هم فهرست کرده بودیم. می خواستیم، دنیا دگر باره به تجربه ای زیستی در هندسه «حکوک عدل علی، برسد. می دانیم علی(ع) در جایگاه اسام(ع) و راهبر، همواره تراز بوده است. هم برای کسانی که می خواستند مؤمنانه زندگی کنند و هم در یک حکمرانی مؤمنانه فرصت را برای بهتر شدن به دست بیاورند.

آرزویی چنین به نوعی همزاد اندیشه انسان اهل فکر است. ما در عهدنامه مالک اشتر از بیان مولا علی(ع) خواندیم، «أُصِفُ اللهَ وَ أَصِفُ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ، وَ مِنْ لَكَ فِيهِ هَوًى مِنْ رَغَبَتِكَ، فَإِنَّكَ إِلَّا تَفْعَلْ تَظْلِمُ، وَ خَوَانَدِيم وَ هُوَ لِلْعَالَمِينَ

ما و زندگی

پسرک پشت پنجره



شاعر و طنزپرداز فخر رجبی

پسرک پشت پنجره نشسته است. از آنجایی که او نشسته کوچه ای دیده می شود و پس کوچه ای. از دوردست صدای شلیک گلوله به گوش می رسد و فریادهای نامفهوم مرگ پشاه و صدای رسای ا... اکبر. دودی سیاه آسمان را فرا گرفته. در کوچه خلوت صدای پای جوانی که می گریخت و فریادی که می پیچد:

- ایست! ایست!

جوان نفس زنان وارد پس کوچه می شود. پسرک از پشت پنجره فریاد می زند اما صدایی از حنجره اش شنیده نمی شود. یا آن قدر فریادها بلند است که صدای پسرک به جایی نمی رسد. مأمور سبیل از بنا گوش در فتنه که رد و پی کوچه ها و محله ها را بهتر از هرکسی می داند. به سختی هیکل چاقش را به اول کوچه می رساند و در حالی که به سختی نفس نفس می زند به دنبال جوان وارد کوچه می شود و چند دقیقه بعد جوانک را کشان کشان با خود می برد. پنجره و چشم های اشکبار کودک، فردا دوباره همین اتفاق، پنجره، پسرک، صدای گلوله و فریاد مرگ بر شاه و..... جوانکی می دود و از کوچه اصلی به پس کوچه می پیچد و مأمور که تله مفت و مجانی برای خود یافته وارد کوچه می شود و کشان کشان جوانک زخمی را با

کوه و انقلاب

ز ما تورادرود ز ما توراسلام...

«خمینی ای امام» یکی از آثار شاخص انقلابی واز سروده های حمید سبزواری شاعر خراسانی است. آهنگ ساز این قطعه نیز حمید شاهنگیان است. این سرود، نخستین بار در ۱۲ بهمن ۵۷ و هم زمان با ورود امام خمینی (ع) به تهران، در فرودگاه مهرآباد از سوی یک گروه کر اجرا شد. سرود «خمینی ای امام» در فهرست آثار ناملموس ملی ایران به ثبت رسیده است.

برای شنیدن این اثر خاطره انگیز کد روبه رواسکن کنید.



با لمبرصاد، را که فراز کامل این بیان به ترجمه آیت... مکارم شیرازی چنین برای ما معنا می شود که، «انصاف در برابر خداوند و مردم را نسبت به خویشان و خاندان خود و کسانی که از رعایا مورد علاقه تواند رعایت کن، زیرا اگر چنین نکنی (و انصاف را رعایت نکنی) ستم خواهی کردو کسی که به بندگان خدا ستم کند خداوند پیش از بندگانش دشمن او خواهد بود و کسی که خداوند دشمن او باشد عدلش را نمی پذیرد و در مقام نبرد با خداست تازمانی که دست از ستم بردارد وتوبه کند. (بدان) هیچ چیز در تغییر نعمت های خداوند و تعجیل انتقام و کفر او از اصرار بر ظلم و ستم سریع تر نیست، زیرا خداوند دعای مظلومان را (بر ضد تو) می شنود و در کمین ستمکاران است.» ما با انقلاب می خواستیم در زمینی چنین امنیت یافته، به حاکمیتی برسیم که هر روز مشق علوی کند. اینکه چقدر به مقصود و مقصد نزدیک شده ایم را باید در کارنامه جمهوری اسلامی سراغ گرفت. انقلاب اما با این رویکرد، مسیر خود را انتخاب کرد. انقلابیون، دانسته و الگومند به میدان آمدند.

فرزندان حقیقی انقلاب، البته هنوز هم به همین مدل باور دارند و تلاش ها را باید در این راه روشن سامان داد که به این مدل حکمرانی نزدیک شویم. این درست که راه نرفته بسیار است اما وقتی گام ها در مسیر باشد، هر قدم، به آن نزدیک تر خواهیم شد....



شهید قربان مشایب ثنائی

محل تولد: قوچان
محل شهادت: مشهد
تاریخ شهادت: ۱۰ دی ۱۳۵۷

اول شعله

مرجع انقلابی

یادی از آیت...! سید عیدا... شیرازی که پناه انقلابیون بود

سال ۱۳۳۰ قمری قرار بود که ساکس، مقام عالی رتبه انگلیسی ها، وارد شیراز شود اما مخالفت یکی از علمای بزرگ این شهر سبب شد تا این اتفاق نیفتد. آیت...! سید محمد طاهر موسوی دست به قلم برد و برای مردم شیراز چنین نوشت: «... شما اهالی شریف شیراز بدانید که هرگونه شرکت در این امر در حکم محاربه با خدای متعال و جنگ با امام زمان (ع) می باشد. لذا مبادرت به این عمل، حرام مؤکد است و همگی طبقات شریف مردم سعی نمایند از ورود و دخالت خارجی ها، اعم از انگلیس ها و روس ها، در شئون بلادتان... جلوگیری نمایند. مسلما امام زمان (ع) شما را کمک می فرماید...»

صدور این اطلاعیه سبب تبعید وی و فرزندش سید عیدا... به روستای «سیوند» مردوشت شد. سید عیدا... که در آن زمان بیست و یک سال بیشتر نداشت روحیه انقلابی و استعمارستیزی را از پدرش به ارث برد میود. ناگفته نماند که پدر بزرگ سید عیدا... نیز از مدافعان نهضت مشروطه بود که در این راه مجاهدت های فراوانی کرد. سید عیدا... که در سال ۱۲۷۰ خورشیدی به دنیا آمده بود شاهد همه اتفاقات و تلاش های پدرش در مبارزه با استعمار و دشمنان ایران زمین بود. پس از پایان دوران تبعید به شیراز بازگشت و مقدمات تحصیل را در این شهر سپری کرد. اما عطش تحصیل سید عیدا... بیشتر از آن بود که به تحصیل در شیراز کفایت کند. عزم سفر کرد و راهی دیار نجف شد. در آنجا در محضر بزرگ ترین فقیهای زمان خود یعنی آیت...! سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی و مرحوم نائینی زانوی ادب زد. آوازه جایگاه علمی او در میان همه طلاب نجف پخش شد تا آنجا که استادش، آقا ضیاء عراقی در حضور شاگردانش، از او چنین تمجید کرد و گفت: «من ایشان را برای آینده نزدیک

نجف اشرف ذخیره نموده ام و ایشان امید علمی آینده من است.» اما او پس از ۱۰ سال اقامت در نجف به شیراز برگشت و به جنبه های علمی طلاب حوزه و مدارس علمیه و اوضاع دینی شهر که در اثر روی کار آمدن رضاخان وضع آشفته ای به خود گرفته بود، پرداخت و از طرف دیگر در ارتباط با فعالیت های غیر دینی رضاخان با دیگر علمای شیراز و اصفهان و قم گفت وگو و مذاکره کرد. رفته رفته رضاخان دست به اقداماتی بر ضد دین در کشور زد. او پس از بازگشت از ترکیه تصمیم گرفت تا با حجاب مخالفت کند و به همه دستور داد تا کسی در انتظار عمومی چادر بر سر نکند.

قاب انقلاب



جمعه سیاه



عباس و نویسند همدید سخانی

عباس ملکی، عکاس کمتر شناخته شده ایرانی است. او در دهه ۴۰ کار حرفه ای خود را آغاز کرد و در ادامه در روزنامه کیهان به عنوان عکاس فعالیت خود را ادامه داد تا نهایتا در سال ۶۸ بازنشسته شد. اما موضوعی که عباس ملکی را به عنوان یکی از عکاسان مهم تاریخ ایران برجسته می کند و نقش ماندگاری در تاریخ معاصر ایران به او می دهد، حضور در یکی از مهم ترین و تاریخی ترین روزهای وقایع انقلاب اسلامی ۵۷ به عنوان تنها ثبت کننده تصاویر بوده است. در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ که «جمعه سیاه» نامیده شده است، ارتش شاهنشاهی تظاهرات کنندگان در میدان ژاله (شهدا) را به گلوله بست. مقامات نظامی شمار کشته شدگان آن روز را جمعا ۸۷ نفر و مجروحان را ۲۰ نفر اعلام کردند اما انقلابیون و مخالفان اعلام کردند که تعداد کشته شدگان به بیش از ۴ هزار نفر می رسد و فقط در میدان ژاله با تصد نفر کشته شدند. عباس ملکی که به عنوان عکاس روزنامه کیهان در روز ۱۷ شهریور در میدان ژاله حضور داشته است در نقل خاطره آن روز می گوید: از میدان ژاله تا میدان



ميثاق نامه اخلاق حرفه ای

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز:
- شهرداری مشهد
- مدیر مسئول:
- سید میثم موسوی مهر
- سردر دبیر:
- سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: مهلن شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی:
- ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

اعلان پیروزی



«من مبارزه می کنم، تو مبارزه می کنی، او مبارزه می کند، ما مبارزه می کنیم، شما مبارزه می کنید، ایشان فرار می کنند...» متنی که خواندید تصویر اصلی اثری است از امیرحسین اثباتی که در مهر ۵۷ در نمایشگاه دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای تهران به نمایش گذاشته شد.

نکته درخور توجه درباره اهمیت این پوستر این است که ۳ ماه پس از انتشارش محمد رضا پهلوی از ایران فرار کرد.

اثباتی طراح صحنه و دکور سینماست. او در سال ۱۳۳۵ در تهران متولد شده و فارغ التحصیل معماری از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است.

این هنرمند چهار بار موفق به دریافت سیمرغ بلورین بهترین طراح صحنه و لباس از جشنواره فیلم فجر شده است.

چکام ها و انقلاب

برخیز، که فجر انقلاب است امروز

بیگانه صفت، خانه خراب است امروز

هر توطئه و نقشه که دشمن بکشد

از لطف خدا، نقش بر آب است امروز

فجر است و سپیده حلقه بر در زده است

روز آمده، تاج لاله بر سر زده است

با آمدن امام در کشور ما

خورشید حقیقت از افق سر زده است

والفجر، که سوگند خدای ازلی است

روشنگر حقی است که با، آل علی، است

این سوره به گفته امام صادق

مشهور به سوره، حسین بن علی، است

شب رفت و سرود فجر، آهنگین است

از خون شهید، فجر ما رنگین است

این ملت قهرمان و آگاه و رشید

ثابت قدم است وقایع و سنگین است

شب طی شد و روز روشن از راه رسید

خورشید امید شرق، از غرب دمید

عیسای زمان، راز زمین، «روح خدا،

این نهضت حق، که خلق ما بر پا کرد

نه شرقی و غربی است، نه سرخ است و نه زرد

در وسعت و عمق و شور و یکپارچگی

زیباتر از این نمی توان پیدا کرد

جان های جهانیان به لب آمده است

جان در پی حق، داوطلب آمده است

جمهوری اسلامی ما در این قرن

فجری است که در ظلمت شب آمده است

بر ملت تازه رسته از دام و کمند

آن بردگی گذشته، یارب میسند

این در که به روی ما گشودوی از مهر

بار دگر از قهر، خدایا تو میدن

جواد محدثی

